

شماره ۲۱

فروردین ماه ۱۳۵۵

نموده: آنا هرگز

شهیده ها سیه

پسگاه ها سرخند

\* پیوسته اش \* (شهید صطفی شامیان)

جنبش انقلاب خلق ماسال ۵۴ را در میان آتش و خون بسمر آورد و بانثار خون قریب ۷۰ شهید بر آستان انقلاب ایران ، پسگاه پیروزی خلق را سرختر ساخت .

سال گذشته در میان آتش خون جوانه های پیروزی امید در دل خلق ماشکفت و بالیدن آغاز کرد . سال گذشته سال تحول در جنبش کومینتسی و جنبش رهائی بخش خلق ما ، سال آغاز سر بر بندگی جدید بین جنبش و فد جنبش ، انقلاب و ارتجاع و مارکسیسم - لنینیسم و اپوز تو نیسم بود .

سرکوب خونینی که رژیم در سال گذشته علیه خلق ماسا و انقلابیون راستینش اعمال داشت ، تلاشی بود از جانب رژیم تا این سرز بندی را که یکی از مراحل تحول کیفی اش را میگذارند هر چه بیشتر بنفع خود و بازشوئی کردن برخی اقتدار عناصر سیاسی و فزولزل و باپراکندن برخی حامیان جنبش از حول آن و کشتادن عده ای بار و گاه خود بانجام برسانند .

کشتار وحشیانه نظامی تهران ما ، مجاهدین شهید : رفیق وحید افراخته ، رفیق سید محسن خاوری ، رفیق محمد طاهر رحیمی ، رفیق ضیوه اشرفی زاده کرمانی ، رفیق محسن بطحائی ، رفیق مرتضی لبافی نژاد ، رفیق سامان صمیمی بهبانی ، رفیق عبد الرضا شمیری جاوید درع ، بهمن ماه و هم چنین دستگیری و شهادت دیگر رفقای تهران در زیر شکنجه و بار در درگیری مسلحانه با مزدوران رژیم ، رفیق حسن سبحان اللهی ، رفیق هاشم وثیق پور ، رفیق صدیقه رضائی ، رفیق ابراهیم داور ، رفیق علی محیی و رفیق فاطمه امینی ، همه و همه از یکطرف اتمکاس زخمهای صمیمی است که در رابطه با تحولات اخیر بر پیکر رژیم شاه خائبن زده ایم و از طرف دیگر نمایش خشنونت مرکبش در زندگی رژیم به منظور افکندن

از سنیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

رعب و وحشت در دل برخی حامیان جنبش میبایستند . بخصوص که این کشتار هادر کشتار از دوساله و بغراضل زمانی کم ، همراه با اعلام شهادت رفقای فدائی رفیق فاطمه نهانی ، رفیق فاطمه حسن پور رفیق بهمن روسی آهنگران ، رفیق سرور فرهنگ ، رفیق فتحعلی پناهمان ، رفیق رضا یثربی رفیق محمد محمود خانی ، رفیق محمود پوروش ، رفیق عبدالمجید بهزاده جهرمی ، رفیق جعفر محتشمی رفیق فاطمه اندر نسبا ، در تهران ، ساری ، گرگان ، آمل ، تبریز ، و اهدام رفقای دلیر ، محمود بهلوان ، محمد علی باقری ، حمید رضا فاطمی ، محمد علی حویدی ، و شهادت انقلابی مستحطلی شامعیان در درگیری مسلحانه در غربا پانهای تهران ، و طبریزم فشار افکار عمومی جهان و دانشگهای وسیع دانشگاهیان مبارز خراسان از کشور ، روی میدهند .

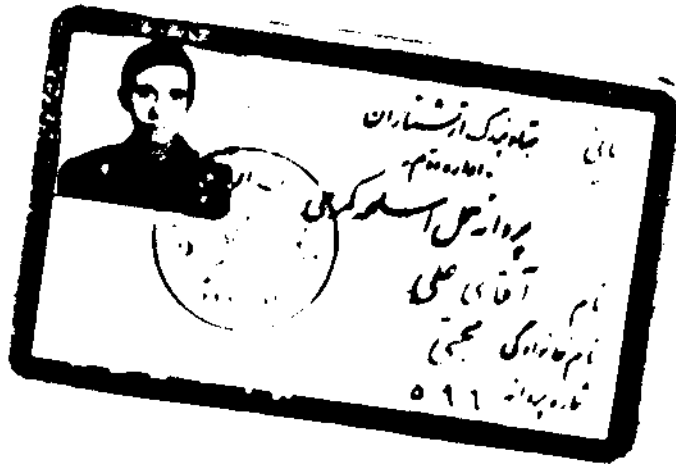
سال گذشته شاهد سرزنده پهای مشخص در صفوف نیروهای خلق بودیم ، تحول اید نولونیک سازسان ماکه بر زمینای پلا ریز سون طبقاتی جامعه ماحسوت گرفته بود بنسویه خود بک رسج گروهها و جناحهای سازمان با جنبه مبارزه پلا ریزه کرده و می کند .

نونه هاش از این پلا ریز اسون رمانا تا بحال در مواضع ارتجاعی و ضد انقلابی برخی عناصر و گروههای فرصت طلب چه "چپ" و چه راست دیده ایم . ما با اولین وزش جنبین باد های محسوس ، اولین نتایج مثبت حرکت انقلابی مان را در می بیندیم بهمن جنبش و ضد جنبش ، و در رسوا ساختن " گرگان همین نما" در سطح جنبش دیده ایم . بخصوص که در کشتار آن شاهد مبارزین صادقی بودیم که هر چه بهترین هنگام با تحولات انقلابی جنبش را در یکالویزه شده و آمادگی هر چه بیشتر خود را برای پوسن بسند جنبش انقلابی خلق ما و تشد به مبارزه طیه اسبیر با لیسیم و ارتجاع اعلام داشته اند .

سوار در مشخص این سرزندی ، و رابطه آن با تشد به خشونت رژیم ، و تحولات جنبش انقلابی مسلطی در رابطه اینهار در مجموع با آن طلل و عوامل زیربنائی که موجود این تحولات و مؤتمکیر بها بوده است و هم چنین جهت حرکت این تحولات و سرزنده بها و نتایجی که بهار خواهد آورد ، هه و همه سالیسی است که تحلیل و توضیح آن را بسوقت و جای مناسب دیگری سرکول میکنیم .

مسئولین انتشار مجاهد و نشر به خبری





رفیق شهید علی محمدی

اخباری که قبل از شهادت رفیق علی محمدی بدست آمده بود، نشان می‌داد که دشمن برای یافتن وی به بسیج کم سابقه‌ای دست زده است. عکس رفیق و سیما در میان مأمورین پخش شده بود بطوریکه بهر پاسبان یک عکس داده بودند و مبلغ صد هزار تومان نیز بعنوان جایزه برای دستگیری وی تعیین شده بود.

رفیق شهید علی محمدی، زمان کوتاهی پس از پیروزی پیروزی زندگی مطلق انقلابی، طوسی یک درگیری با یزدان دشمن بشهادت رسید. اما شهادت او در راه پرافتخارهایی خلقی، راهگشای وجدانهای پاک و آگاهی خواهد بود که طیفم اسارت در درون تار و پودهای ارتش ضد خلقی رژیم شاه سرزور، مسودای عشق خلقی را در دلش می‌پروراند.

■ ■ ■

رفیق شهید صدیقه رضائی

رفیق شهید صدیقه رضائی، خواهر مجاهدین شهید، احمد، مهدی و رضا رضائی، بود. در اسفند ماه ۵۳، خانوادۀ رضائی ها مورد حمله پلیس قرار گرفت و همگی آنها جز رفیق صدیقه - که به زندگی مخفی روی آورد - دستگیر شدند. مادر و یک خواهر رضائی ها - فاطمه رضائی - با اتهام ارتباط با سازمان مجاهدین

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خلق ایران ، هنوز در اسارت بصری برنسد . اما رفیق صدیقه موفق شد بایستادن به صفوی  
رژمدگان حرفه ای سازمان ، پیگارش بر اباد شدن سخت تراز پیش از اینه دهد .  
رفیق صدیقه طی قریب یکسال زندگی مخفی اش ، صادقانه در راه رهائی خلق مبارزه کرد و سرانجام  
در اوائل زمستان سال گذشته دستگیر شد و اکنون خبری رسد که رفیق در این راه شهادت رسیده  
است .

یادش گرامی باد



رفیق شهید فاطمه امینی

رفیق مجاهد ، فاطمه امینی - خواهر رفیق مجاهد عبد الله امینی - در ۱ اسفند ۳۵ دستگیر  
شد . ولیم فردای آنروز در روزنامه های جبهه خوارش خبری مبنی بر سقوط ویرگه " یک زن کوهنورد بنام  
فاطمه امینی " درج کرد و در همین حال ، رفیق را وحشیانه زیر شکنجه قرار داد اما کوچکترین اطلاعاتی  
نتوانست از او بدست آورد . اخباری که بعد از زندان رسیده بود زند بهودن رفیق را تأیید نمید .  
اما اکنون از زندان خبری رسد که رفیق پس از یکسال اسارت ، در زیر شکنجه به انبوه شهیدان خلق  
پیوسته است .

خاطره اش چاودان باد



رفیق شهید ایراهیم داور

رفیق داور - دانشجوی سابق دانشگاه اقتصاد دانشگاه تهران - نخستین بار در شهریور  
ماه سال ۵۰ در هجوم مزدوران دشمن به خانه تبعی اش به همراه رفقای هم نیش ضحله شهید ، محض  
رضاخوانساری و هوشند ارزنگ خاخره ای ، دستگیر شد .  
رفیق داور چندین ماه در شکنجه گاه اوین ، زندانی بود اما دشمن که با تمام وحشگریهایش نتوانسته بود  
از این تم بزشده اطلاعاتی کسب کند ، اجباراً آنها را یک بیک آزاد کرد .  
در اوائل سال ۵۱ مجاهدین شهید ، هوشند خاخره ای و محض رضامادات خوانساری به صف انقلابیون  
حرفه ای پیوسته و رفیق داور در شکل علنی ، بمبارزه اش ادامه میداد .  
در بهمن ماه ۵۱ دشمن که بنابه قرائن موجود ( دوستی و همکلاسی رفیق داور با رفیق هوشند و وضع  
تشکیلاتی مشابه وی با رفقا ، هوشند ، خوانساری که مخفی شده بودند ) ، در مورد ارتباط رفیق با  
سازمان ، گمانی قریب بیقین داشت ، مجدداً وی را دستگیر کرد و بوحشیانه ترین صورت زیر شکنجه  
کشید تا نهایتاً از این طریق وی را از مجاهدین و بخصوص رفیق هوشند خاخره ای ، پیدا کنند .

رفیق اقتصاد سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر

رفیق داور در زیر شکنجه دلاورانه مقاومت کرد و در حالیکه زخم هایش چرک کرده بود در آستانه شهادت قرار داشت ، لب از لب ننگشود و دشمن نه فقط نتوانست ارتباط او را با سازمان کشف کند بلکه کتربین اطلاعاتی از هیچیک از فعالینها و تماس های جانبی رفیق نیز بدست نیاورد . دو ماه بعد رفیق هوشمند دستگیر شد و با پایداری شگفت انگیزی ، اسرار خلق را در سینه اش حفظ کرد . رفیق هوشمند در زیر شکنجه های سیهانه دشمن شهادت رسید لیکن کتربین سختی از رابطه اش با رفیق داور - همچون دیگر اطلاعاتش - پیمان نیاورد .

بدین ترتیب دشمن طیفی از محاسبات اولیه و شکنجه های وحشیانه اش ، نتوانست از فعالیت ها و ارتباط تشکیلاتی رفیق داور ، اطلاعاتی بدست آورد . از اینرو حتی در چهار چوب مقررات و قوانین ضد خلقی اش هم ، هیچ دلیلی بر علیه وی در دست نداشت .

رفیق داور پیش از یکسال در زندان کمیته و قصر بسر برد و از شرایط وحشتناک حاکم بر زندان در جهت سازندگوشن سود جست و کینه اش را بدشمن عمیق تر ساخت و آنگاه که دشمن سرانجام پس از صد تهاجمات بدین مجتهد ، اجبارا او را آزاد کرد ، با وجودی سرپا کینه بدشمن و عشق بانقلاب برتندگی مخفی روی آورد .

رفیق داور در صف نرزشندگان حرفی سازمان مادر راه رهایی خلق ، صادرانه پیسکار کرد و سرانجام در این پیسکار شهادت رسید .

پاد او جاودانه در راه او سینه باد



نمونه ای از جنایات رژیم

طبق اخبار واسله ، یکی از معاودین عراقی بنام علی شاهین پس از مدت کوتاهی در حلقه میشود پسرای بدین پدر و پنهانوارده اش ، و قزای چند روزه عراق را گرفته و به عراق برسرود . در اواخر سپریاه که وی به ایران باز میگردد ، در غرور نگاه دستگیر شده و ساواک که بهسافرت او به عراق مشکوک بود ، او را بزیر شکنجه میکشد . وی مدت ده روز در زیر زمین کمیته ، وحشیانه شکنجه میشود بطوریکه استخوانهای بدنش می شکند و پس از این مدت ، پلیس که از او اطلاعاتی بدست نیاورده بود ، مطمئن میشود که وی فردی عادیست . آنگاه وی را که نیمه جان بوده است ، به خواهرش تحویل میدهند . اما او پس از چند روز ، از شدت جراحات وارده شهادت میرسد .

پاد شهیدان گشام خلقی گرامی باد



اخبار دانشجویی

دانشگاه صنعتی

• در اوایل سال تحصیلی ۵۵-۵۴ ، بیش از ۱۵۰ تن از دانشجویان این دانشگاه در تابستان گذشته دستگیر و از این عده اعضای سازمان کوهنوردی دانشگاه بودند که در روز شنبه اول آذر ماه ۵۴ گروهی از دانشجویان این دانشگاه بعنوان اعتراض به اسارت دوستانشان در ساختمان مجتهدی گرد می آیند و شروع به شعار دادن و تعطیل کردن کلاس ها میکنند ، سپس بسوی ساختمان شهین حرکت کرده و آنجا را نیز تعطیل میکنند و سلف سرویس راهبم می ریزند .  
شعارهای دانشجویان در این روز عبارت بوده است از :  
"اعتصاب ، مبارزه ، پیروزی" ، "دوستان خوب ما را آزاد اگرنسازید ، تا آخرین دقایق ، از پا نمی نشینیم" ، "درود بر مجاهد ، درود بر فدائی" ، "پارن ما زنده اند ، زندانبانان جلادند ، ای برگ بر تو جلاد" ، "شرط تشکیل کلاس ، آزادی باران ماست" .

• روز دوشنبه ۵۴/۹/۳ مجدداً اعتصاب از ساختمان مجتهدی شروع میشود و ساختمان شهین نیز تعطیل شده و دانشجویان آن به اعتصاب گشتند گان می پیوندند . تعداد اعتصاب کنندگان در این روز زیاد بود و همگی در جلوی ساختمان مجتهدی گرد آمده و همان شمارها را تکرار میکردند . ساعت ۱۰ صبح گارد به صحن دانشگاه هجوم آورده دانشجویان متفرق می شوند . سپس تعداد زیادی از دانشجویان بسوی کارخانه بسی کولا حرکت کرده و شیشه های آنرا خرد میکنند . پس از اینروز ، اعتصاب و تظاهرات بطور شعل تاروق ۵۴/۹/۱۰ ادامه پیدا میکنند و طی این مدت ، ۶ دانشجوی دیگر در جلوی درودی و در محوطه دانشگاه توسط گارد دستگیر میشوند . نکته قابل توجه در این اعتصاب آنکه در تمام مدت اعتصاب و تظاهرات ، کوبانده های گارد برخلاف رده معمولشان ، به سرکوب تظاهرات نپرداخته بلکه تنها بطور دسته جمعی بسوی دانشجویان حرکت کرده و آنها را متفرق میکردند .

• روز دوشنبه ۵۴/۹/۲۴ عده ای از دانشجویان به دکتر فرحی - رئیس دانشگاه - اختصار میکنند که اگر آن تعداد از رفقای مارا که قبل از ۱۹ آزادی دستگیر شده اند ، تا ۲۹/۹ ، آزاد

تکلیف ، دست به اعتصاب خواهیم زد .  
 روز دوشنبه ۱۳۵۴/۱/۲۵ دانشجویان مذهبی اعلامیه ای در کتابخانه میگذارند و می نویسند  
 که بعنوان اعتراض به تشکیل آیت الله منتظری ، فرد اعتصاب خواهیم کرد .  
 روز چهارشنبه ساعت ۱/۵ صبح ، تظاهرات باشعارهای " درود بر منتظری " و " الله اکبر " شروع  
 میشود و نیم ساعت ادامه پیدا میکند .

روز چهارشنبه ۱۳۵۴/۱۰/۳ ، بهاسبت سالگرد شهادت آیت الله غفاری ، تظاهرات محدودی  
 در دوسویت از سوی دانشجویان مذهبی دانشگاه صنعتی باشعارهای " درود بر آیت الله غفاری "  
 و " الله اکبر " صورت میگیرد و همراه کلاس ها قریب یکساعت تعطیل میشود .

روز پنجشنبه ۱۳۵۴/۱۰/۱۱ در دانشگاه صنعتی ، تظاهراتی بعنوان اعتراض به ده حکم  
 اعدام صورت میگیرد . در این تظاهرات دانشجویان به تکلنکه محکومین درود فرستاده و تقاضای  
 آزادی آنها را میکنند .

روز چهارشنبه ۱۲ دیماه اعتراضاتی علیه فشرده بودن امتحانات ترم صورت میگیرد .  
 روز بعد چندین جلسه امتحانی بهم میخورد . روز شنبه ، بیستم دیماه تعداد زیادی از دانشجویان  
 به منظور اعتراض به فشرده بودن امتحانات ، دسته جمعی بطرف اطالی رئیس دانشگاه ، حرکت  
 میکنند . هنگامیکه به جلوی در ورودی ساختمان رئیس دانشگاه میرسند ، گارد حاضر شده و جلوی  
 آنها را میگیرد برخی قصد فرار میکنند ولی اکثر پت میگویند : " بایستند - فرار نکنند " . رئیس گارد به  
 آنها میگوید : " چی بایستید ؟ " ده نماینده انتخاب کننده که بمانند و بقیه میروند . در این موقع  
 دانشجویان با فریاد " مزدور سرگوشه " او پاسخ داده و سپس با فاصله گرفتن از گارد ، در حالیکه  
 شعار " مرگ بر این آفرزش فرمایشی " و " مرگ بر فرمایشی مزدور " میدادند ، بطرف ساختمان  
 های دیگر دانشگاه حرکت کرده و شینه هارا خرد میکنند .

گارد تا وقتی در محوطه باقی ماند و پس از آرام شدن اوضاع ، خارج میشود همانسروز مسئولین دانشگاه  
 از ترس بالاگرفتن دانشه تظاهرات ، برنامه را تغییر داده و روز بعد برنامه جدید را اعلام میکنند

دانشگاه ملی

در تاریخ ۱۳۵۴/۱/۳ - دانشجویان دانشکده علوم دانشگاه ملی ، بعنوان اعتراض به  
 محروم شدن چند تن از دستانشان از ادامه تحصیل دست به اعتصاب می زنند .  
 لازم پندگراست که روز از تظاهراتی برای ملزم کردن دانشجویان به درس و بازداشتن آنها از فعالیت

شماره ۲۱ \_\_\_\_\_ نشر به خبری مجاهدین \_\_\_\_\_ صفحه ۸  
سیاسی ، بتصویب و اجرای مقرراتی از قبیل تعیین حدنصاب برای معدل دانشجویان پرداخته  
است . دانشجویانی که معدلشان رابه حدنصاب نرسانند ، از دانشگاه اخراج میشوند . دانشجویان  
شرفی الذکر نیز بدین دلیل از ادامه تحصیل محروم شده بودند .  
دانشگاه در مقابل این انتصاب شدت عمل نشان داده و اعلام میکند که هرگاه انتصاب ادامه یابد ، ترم  
جاری دانشگاه طوم منحل خواهد شد .

بدنیال این عکس العمل ، دانشجویان طوم به انتصاب نشسته در مقابل در شرقی دانشگاه دست می  
زنند و دانشجویان دیگر دانشگاه هاپو پیرو دانشجویان اقتصاد ، حمایت از آنان دست بسته  
انتصاب و تظاهرات در ضمن دانشگاه زده و شیشه های پوسه را خرد میکنند . شعارهای دانشجوی  
یان در این تظاهرات از : " اقتصاد ، مبارزه ، پیروزی " ، " بود .  
در دنیال انتصاب و اتحادت یافتن آن ، گارد که در ابتدا امداخله ای نمیکرد ، بدانشجویان حمله  
میکند و متقابلا شعارها از : " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " به " پلیس سرزور بسروگشود" و بالآخره  
به شعارهای کاملا سیاسی ضد سلطنتی ، خشنی میشود . گارد عده ای را دستگیر نموده و از سوی  
دانشگاه اولیجاتوم داده میشود که اگر کلاسها تا مدت معینی گشود نشود ، ترم جاری لغو  
خواهد شد . اما باز هم انتصاب ادامه پیدا کرده و دانشگاه در پایان مهلت مقرر ، اقدام به  
تجدید مدت اولیجاتوم میکند . در پایان مهلت چه بدینسو انتصاب همچنان ادامه داشت از  
اینسو دانشگاه ، انحلال ترم جاری را اعلام کرد . اما چند روز بعد ، مجددا اعلام نمود که ترم جاری  
باوساطت اساتید و عده ای از دانشجویان درس خوان ، مجددا برقرار شده است .

### مدرسه عالی بازگانی

روز چهارشنبه ۲۰ / ۹ / ۴۰ در جلوی لابراتوار زبان مدرسه عالی بازگانی ، بمبی منفجر شده  
و استاد مهدی لایرانوار که در حال خروج بوده است ، زخمی میکند .  
بلا فاصله گارد مسلح به مسلسل بدانشگاه می رسد و چون نگهبانان مقابل درودی میگویند  
نخستین کسی که صبح وارد مدرسه شده ، کاپشن کرم رنگ پوشیده بوده است ، لذا گارد گیسو  
گمانی را که کاپشن کرم رنگ پوشیده بودند ، دستگیر میکند . پس از این جریان ، گستر  
پلیس در این دانشگاه شدت یافته است .



### دانشکده علم و صنعت

اواسط دیماه در دانشکده علم و صنعت، بنیاد بود دانشجوی شهید، خلیلی که در تظاهرات خیابانی سال قبل شهادت رسید، تظاهراتی در سلف سرویس برپا شده و اعلامیه‌های به بین ضابطت پخش شد. در این جریان چون تظاهرات یکپارچه قبل از سالگرد شهادت خلیلی برگزار شده بود، کارر غافلگیر شده و نتوانست اقدامی صورت دهد.

### دانشگاه شهید

روز چهارشنبه ۱۳/۹/۵۴، گروهی از دانشجویان دانشگاه شهید از سازمان مرکزی دانشگاه تساه چهارراه دیاموند حرکت کرده و از آنجا در حالیکه شمار می‌دادند، بسیی دانشگاه علوم می‌روند، یکی از شمارها، "کارگر، دهقان، دانشجوی" بوده است.

---

### اخبار سیاسی

---

### دزفول

طبق اخبار واحده، در روزهای عاشورای اسفند، دیوارهای شهر دزفول از شعارهای ضد رژیم پوشانده شد فاست. این شعارها عمدتا در دفاع از زندانیان سیاسی بود فاست. علاوه بر این، شمارهایی بنی بر ضرورت بازگرداندن نیروهای تجارزکار شاه خائن از ظفار و شمارهای دیگر علیه سلطنتی نیز دیده می‌شده است. در مراسم عزاداری عاشورا نیز شمارهایی داده شده است که مفهوم سیاسی و ضد رژیم داشته فاست. پس از این جریان نیروهای پلیس و ساواک از اهواز و آبادان به دزفول اعزام میشوند لیکن دشمن نتوانست هیچیک از دست اندرکاران را بچنگ آورد.

### تیسهران

در ایام محرم، فعالیتهایی برای جمع‌آوری پول بمنظور کمک به شهیمان لبنان صورت گرفته است. یکی از وعاظ مذهبی بنام "مجادلی" که چند ماه قبل از لبنان به ایران آمده بود در مسجدی نزدیک حسینیه ارشاد، منبر رفته و حضار را در جریان وضع بد مالی مبارزین شیعه لبنان میگذاورد و تقاضا میکند که اقداماتی بسرای کرد آوری پول صورت گیرد. پس از این سخنرانی فعالیت‌هایی انجام میشود ولی فعالین این جریان در گسودن حساب بانکی مرد هستند و از این می‌ترسند که رژیم پس از جمع‌شدن پول در بانک همه آنها را بالا بکشد.

چند خبر از انقلاب خلق مسان

(نقل از "صوت الثورة")

■ در تاریخ ۲۶/۳/۷۶ گروهی از نیروهای ارتش آزاد بیخس خلق مستقر در جنوب "صرفیت" طی هجوم سختی به مراکز دشمن واقع در "اقازل" و "تفتیح" مدت یک ساعت و پنج دقیقه آنها را با توپهای سنگین گلوله باران نمودند. در ساعت ۲ بعد از ظهر مجدداً همان مراکز مدت نیم ساعت در معرض گلوله باران نیروهای انقلاب قرار گرفت.

خسارات دشمن در این دو حمله عبارت بوده است از:

- ۱- کشته و مجروح شدن ۱۸ نفر از افراد دشمن اعم از انگلیسی، ایرانی، مزدور و خائن (عسائی).
- ۲- انهدام کامل ۱۵ موضع دفاعی.

در این عملیات هیچ خسارتی به انقلابین وارد نیامده و همگی سلامت به پایگاههای خود بازگشتند.

■ عملیات شهدای قبادان: احمد محمد علی ظاهر. محمد محمود الوحیسی. سالم رجب. ضعی محمد سالم. خیار سالم بهخیت.

در تاریخ ۲۶/۳/۷۶ گروهی از نیروهای ارتش آزاد بیخس خلق مستقر در شمال صرفیت، مراکز دشمن در جنوب صرفیت در نقاط "صرفیت"، "تفتیح"، "اقازل" را از ساعت ۹ تا ۱۰:۴۰ صبح با توپخانه مسوره حمله قرار دادند. در همین روز در ساعت ۱۳:۳۰ مجدداً همان مراکز مورد حمله توپخانه نیروهای ما قرار گرفت که نیم ساعت بطول انجامید.

صبح روز بعد - ۲۶/۳/۷۶ - انقلابین ما از ساعت ۷ صبح تا ۲:۳۰ بعد از ظهر همان مراکز را پشت گلوله باران کردند. گروه دیگری از نیروهای ارتش آزاد بیخس در همین روز در ساعت ۹:۳۰ صبح مدت ۱۰ دقیقه مراکز مزبور را گلوله باران کردند.

خسارات دشمن در این عملیات باختصار به ترتیب زیر است:

- ۱ - کشته و زخمی شدن بیست نفر از افراد دشمن.
- ۲ - انهدام کامل ۱۶ موضع دفاعی دشمن.
- انهدام سلسله سنگین.
- ۴ - انهدام موضع مهم.

همینطور خسارات دیگری بمواقع دشمن وارد آمد.

انقلابین ما در حمله به انقلاب و روشن سوگند یاد می‌کنند و با شهدای انقلاب در ادامه مسیر مبارزه تا

ارشدن اسناد می‌کنند پسالم به پایگاههایشان بازگشتند.

## « هفته همبستگی با مبارزات خلق عمان »

مناسبت هفته همبستگی با انقلاب خلق عمان، جلسات سخنرانی و می‌تینگ در خاورمیانه و اروپا تشکیل شد و عناصر و نیروهای شرقی جهان با شرکت در این جلسات همبستگی خود را با خلق و انقلاب عمان ابراز داشتند.

در پاریس نیز به همین مناسبت همبستگی با شرکت قریب دو هزار نفر از نیروهای شرقی عرب، فرانسوی، ایرانی و... و با حضور نمایندگان جبهه خلق برای آزادی عمان و سازمان آزاد پهنس فلسطین و همکاری سازمان دانشجویان ایرانی در پاریس برگزار شد.

سازمان ما نیز به همین مناسبت بهاسی به می‌تینگ فرستاد که متن آنرا در زیر می‌خوانید:

رفقا، دوستان عزیز!

از درون سنگر خونین مبارزه سلحمانه خلق در ایران و در زیر شدیدترین دیکتاتورهای پلیسی طول تاریخ و بشما شرکت کنندگان در می‌تینگ درود فرستاده و موفقیت شما را در همبستگی با انقلاب خلق عمان و بسیج هزینه بیشتر امکانات مادی و معنوی‌تان در حمایت از آن، آرزو می‌کنیم.

ما نیز بعنوان بخشی از جنبش انقلابی خلق ایران، یکبار دیگر صدای مبارزه جوانان خلق مان را در همبستگی با خلق قهرمان عمان و حمایت از مبارزه عادلانه‌ش علیه امپریالیسم و ارتجاع، بگوش جهانیان میرسانیم.

رفقا! با بیرونی شکوهند خلقهای قهرمان هند و چین، کانون اصلی تضاد خلق‌های آسیا و

امپریالیسم جهانی به منطقه خلیج و اقیانوس هند منتقل شده است.

امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا که با خفت و خواری از جنوب شرق آسیا رانده شده است، هارتر و درنده تر از پیش می‌کوشد تا با سرکوب خونین، جهت دار و سازمان یافته خلقهای غرب آسیا و غارت روزافزون منابع و ثروت‌های آنان، زوال گریز ناپذیرش را بنمویق اندازد. از همین رو امروز انقلاب خلق عمان بشما، پیشقراول انقلاب منطقه در معرض تهاجم وحشیانه و سازمان یافته امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه قرار گرفته است.

رزم فسخ خلقی جزووا- کمراد در ایران و بشما، چماق سرکوب امپریالیسم جهانی در منطقه با گسترش سیستم سرکوب نظامی- پلیسی اش تا برای مرزهای ایران و نا آسوی آبهای گرم خلیج، نقش عمده را در این

سرکوب پیچیده دارد.

ارتش خلق اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیش از سه سال است که ارتش تجاوزگر رژیم فاشیستی شاه خائن با پشتیبانی امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و همه مترجمین محلی و اکنون با استفاده از سکوت تاشید آسبز خرد و پیروزوانی سازشکار عرب، به سرکوب خلق قهرمان عمان مشغول است.

در این مدت خلق قهرمان عمان در برابر سرکوب ضررکز و همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع به پایداری دلایرانه ای دست زده است و امروز در سخت ترین شرایط، علیه تحمل ضربات سنگین و دادن قربانیهای فراوان، همچنان بمقاومت و مبارزه دلیرانه خود ادامه میدهد.

رفقا! امپریالیستها و در رأس آنان امپریالیسم آمریکا، تلاش می‌روند تا برای سرکوب انقلاب خلقهای منطقه، ارتجاع منطقه و خرد و پیروزوانی سازشکار عرب را در میان امپریالیستی \*امن خلیج\* بسرگردی ایران متحد کنند. اما آینده منطقه را نه اتحاد امپریالیستها و مترجمین بلکه مبارزه متحد خلقهای منطقه تعیین خواهد نمود و در چشم انداز نورانگیر این مبارزه است که امپریالیستها و مترجمین محلی، بجای \*امن خلیج\*، باید به گردهم‌آیی هولناک اقیانوس‌هند بپیوندیشند.

رفقا! اتحاد رزنده و خلقهای منطقه و بینگامان انقلابی آن از یکطرف و از طرف دیگر پشتیبانسی و حمایت فعال همه نیروهای انقلابی و دموکرات جهان از انقلاب منطقه و ویژه انقلاب خلق عمان، تنها پاسخگوی اتحاد نامقدس ارتجاع و امپریالیسم است.

ما بشما رفقای شرکت‌کننده در میتینگ و همچنین خلق فرانسه که دارای سخن مبارزاتی پرافتخاری است، اعلام میکنیم که برای تحقق پیمان مقدسی که با خلق مبارز ایران و خلقهای زحمتکش خلیج بستیم، در وضعیت دشمنان نیروهای انقلابی و شرقی خلیج و در رأس آن جبهه خلق برای آزادی عمان، به مبارزه انقلابی خود تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع در منطقه ادامه دهیم.

رزنده باد همبستگی انترناسیونالیستی خلقهای جهان!  
 برقرار باد اتحاد رزنده همه نیروهای انقلابی منطقه!  
 پیروز باد انقلاب خلق قهرمان عمان!

سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳ / ۳ / ۱۹۷۶

### گزارشی از تظاهرات طلاب قم در پانزدهم خرداد ۵۷ (۱)

در تاریخ پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۵۷ پس از رسیدن روزنامه های عصر به قم ، طلاب آن قسمت از صفحه اول روزنامه را که خبر شهادت و عکس سه رفیق فدائی (۲) را چاپ کرده بود ، پاره و تابلو اعلانات فضیحه می چسباندند و در مقابل آن اعلامیه ای بدین مضمون می نویسند :

" . . . . آنرا که در راه خدا کشته شده اند ، صدمه میدارید بلکه زندگانند . . . . "

(۱) این گزارشات را کسانی که خود در متن جریان و با آن نزدیک شاهد آن ، بوده اند ، تهیه کرده اند . از اینرو بیش از هر چیز واقع نشانی جریان تظاهرات در آن شهید است . مانیز بنا بر مواضع این گزارش خود در تائید موضع " مذهب مبارز " و حمایت و پشتیبانی از مبارزین راستین مذهبی و روحانیست مبارز و از این رو که این مطالب حاوی واقعیات و تجربیاتی است که میتواند به خدمت رشد جنبشش طلاب علوم دینی و روحانیت مبارز در آید ، بدون اینکه تفسیر عده ای - جز حنك و اصلاح برخسین قسمت های آن از نظر انشائی پابرای جلوگیری از تکرار مطالب و بسرنخی ملاحظات اضتی - در آن داده باشیم ، بنقل آن پرداخته ایم .

هم چنین نظرات و توضیحات خود مان را در یادقی گزارش آورده ایم و در متن نیز آنجا که توضیح مختصری لازم بوده است ، در پرانتز با جملات کوتاه و با با اشاراتی توضیح داده ایم .

(۲) رفقا ، جعفری و موسوی از اعضای سازمان جریکهای فدائی خلق و رفیق ساداتی از اعضا " سازمان مجاهدین خلقی ایران بودند . هر يك از این رفقا در واقعه ای جدای از دیگری شهادت رسیده اند . ما برای بهره برداری تبلیغاتی خوبش ، شهادت این رفقا را بهم مونتاز کرده و آنرا بصورت يك گزارشی که : " شبکه ای را کشف و سرکوب نمودیم ! " در جراید اسلام کرده .

آقایان طلاب! این سه نفر در راه قرآن کشته شده اند.\*  
و اعلامیه ای دیگر با این متن در زیر آن می پشیمانند.

\* بناسبت شهادت سه مجاهد اسلامی \* بدست رژیم خائن شاه و مجلس نترحمینی  
پس از نماز مغرب و عشاء برگزار میشود. آقایان حجتان شریف دانسته باشند \* (۱)

این عبارات و شعارها، بیان کنند \* این مسئله است که برای مبارزه بین راستین  
ذهبی، اسلام و مسلمان، عبارت از آن اندیشه، تفکر، فرد و گروهی که از ضلالت  
اصی او در هر مرحله - و امروز از مبارزه این علیه امیرالمؤمنین و دیکتاتوری رژیم شاه خائن -  
حمایت کند.

برای طلاب مبارزه، آن استنباط از قرآن و اسلام قابل قبول است که بتوانند مبارزه آنان  
را علیه امیرالمؤمنین و پیدایش شاهنشاهی ترجیح نماید و آنکس مسلمان واقعی تلقی میشود که در  
این راه بجایزه برخیزد.

از همین جایبیت که برای طلاب مبارزه رفتاری شهید فدایی خلوق بر بنای فلسفه علمی  
مبارزه کرده اند، مسلمان تراز \* آیات عظامی \* هستند که دست در دست رژیم خونخوار شاه  
و قزاقی بزرگمسل درازند و شتابلا برای آن \* آیات \*، این طلاب مبارزه که منسی  
حمیتی را همیشه ساخته اند، اخلا لگرو خرابکار میباشند.

(۱) لازم است تذکراتی که مدرسه فیضیه در میان مدارس علمیه مستقیم بکنون حالت مرکزیت  
دارد و عصرها رفت و آمد در آن فوق العاده زیاد میشود. بسیاری از طلاب باز همه مدارس قسم  
بحد از ظهرها بدرسه فیضیه می روند.

جمعیتی که در هنگام فریب در فیضیه بصری برده به حدود دویسه هزار  
نفر میرسند.

\* \* \* \*

تشریح تظاهرات فیضیه به‌صنایعت شهادت سه رفیق انقلابی :

بعد از نماز عداثی بلند می‌شود: "الفاتحه" همه ساکت می‌شوند. چند لحظه بعد چنانچه صدای الفاتحه باز شنیده می‌شود، جمعیت داخل حیاط فیضیه بطرف مسجد متوجه می‌شوند، در مسجد عده‌ای ز یاد نشسته اند و منتظر درس اخلاق فردی بنام ظاهر می‌باشند. در آنجا چند مرتبه به‌خاطر شده‌اند فرستاده می‌شود عده‌ای که نسبت باین مسائل بی‌توجه اند می‌توانند از مسجد بیرون می‌آیند. چند دقیقه می‌گذرد و کاری صورت نمی‌گیرد. متورتهائی بی‌سبب و عمالین صورت می‌گیرند. احتمال می‌رفت که کاری صورت نگیرد و مراسم برگزار نشود. در اینحال شخصی می‌گوید: "آقایان به حیاط بیایند!" جمعیت از داخل مسجد بیرون می‌آیند. طلبه‌ها مقابل مسجد روی زین‌ها نشینند و قرآن‌های "جزء" "جزء" مخصوص ختم پخش می‌شود. عده نشسته‌ها در حدود ۶۰-۷۰ نفر در چهار ردیف می‌شود و بقیه بیرون این عده ایستاده‌اند. چند مرتبه شعار فاتحه و صلوات داده می‌شود. بعد از گوشه‌ای صدای خواندن آیاتی چند از قرآن بلند می‌شود. در این‌اثناء طلبه‌ای با صدای گیرا آغواز صحبت می‌کند بدین مضمون:

"اگر به زنجیر درون سلول‌ها بنگرید اگر... فرزندان گرامی خلق را می‌بینید"

چند آیه دیگر تلاوت می‌شود و باز همان صدا شمر شهادت را می‌خواند. پس از آن یکسفر چند شمر دو بیتی می‌خواند و همه تکرار می‌کنند:

"هر که آزار شد سزای او کشتن است... در این هنگام تعداد نشسته‌ها افزوده می‌شود و چند صد نفر میرسد.

همه بر می‌خیزند و برآه می‌آیند. شعار دادن‌ها شروع می‌شود:

"درود بر مجاهدین خلق" "مرگ بر رستخیز"

هسته مرکزی تظاهرات در حدود ۲۵ نفر است و بقیه که کسی در دستر استاده‌اند حدود ۳۰۰ نفر می‌شوند عده زیادی در گوشه و کنار مدرسه به نظاره پرداخته‌اند باز شعار "درود بر مجاهدین خلق" "مرگ بر رستخیز" ادا می‌آید. بعد شماری جوین گفته می‌شود و همه تکرار می‌کنند:

"از خون خود گشتیم باخون خود نوشتیم یا مرگ یا خمیسه"

پس از چند دقیقه آنظر قصر ز سر درخت صدائی رسا بر می‌خیزد: "درود بر مجاهدین خلق" همه می‌خواهند بطرف صاحب‌صداه‌ها بپشت کبک که دیگری تهیه می‌کنند: "آقایان"

www.peykar.org

بایستند! و خدا ادامه میدهد:

- "درد بر چهره‌های فدائی خلق" ، "درد بر پیوسته زنگار" ، "درد بر افسردگی‌های بی‌سویان"
  - "درد بر عباس مفتاحی" ، "درد بر موسیقی عزیز" ، "درد بر جمع‌فروشی عزیز"
  - "درد بر ساداتی عزیز" ، و باز شمارهای جمعی شروع میشود:
  - "سرگ بر یزید" ، همین یزید، مرگ بر حکومت استبدادی پاکستانوری
- بدین ترتیب تظاهرات پایان می‌یابد و همه متفرق میشوند.

وقایع روز ۱۲ خرداد

طلاب حوزه ، پس از خواندن نماز شب ، فاتحه ای نیز برای یادبود شهید ای پنج خرداد می‌جاسدین می‌خوانند .

وقایع روز های ۱۳ و ۱۴ خرداد

روز ۱۳ خرداد نیز طلاب فاتحه ای برای یادبود بزرگداشت خاطره شهید ای یانزده خرداد می‌خوانند و سپس اعلامیه مربوط به ۱۵ خرداد روحانیت و اعلامیه های ۱۰ خرداد می‌جاسدین را پخش میکنند . در این موقع پلیس بدرسه حمله میکند که با مقاومت طلاب رو برو میشود . طلاب مبارز بنیاد را از بدرسه بیرون کرده و در راهی بندند و تنها آخبر همانروز پایداری میمانند . شب ۱۴ خرداد هنگام خواندن فاتحه برای شهید پلیس مجدداً حمله میکند که با مقاومت طلاب رو برو میشود . در این جریان دو پاسبان و یک افسر مورد حمله آنها قرار میگیرند . طلاب پس از خسار کردن پلیس در غار محکم می‌بندند . در این ضمن در حدود دو هزار طلبه در حوزه جمع شده و روی پارچه های سفید با خط درشت "درد بر خمینی" و "درد بر شهید" توشش و عکسائی از غدیر و اعلامیه مربوط به حزب رستاخیز و ۱۵ خرداد به آنها چسبانده و به محیط بدرسه می‌آویزند .

وقایع روز های ۱۵ تا ۱۷ خرداد

جریان و تابع بر اساس گزارش یکی از مبارزینی که خود در تمام مراحل آن شرکت داشته است از اینقرار است :

سالهای گذشته معمولاً طلاب فیضیه سالگرد ۱۵ خرداد را با تشکیل مجلس ختم و نوشتن شمار سردر دیوار برگزار میکردند ، امّا امسال سه روز قبل از ۱۵ خرداد ، شیخ احمد کرکسی

ارشاد اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



به مدرسه می‌آید و چند سخنرانی تند ایراد میکند او میگوید: « الان در زندانها چهل هزار زندانی سیاسی هست و شاه انکار میکند. اینهایی که در زندانها هستند این زنده‌های زمان میباشند. اکنون در زندانها چقدر زندانی زن داریم؟ ایشان همان راه‌زن‌های رامیسروند. سن از مرگ نمی‌ترسم هرکاری بامین می‌خواهند بکنند. » و نظاری دیگر از وضع ایران:

این سخنان روی زمینه، شعده طلاب اثر مظلوس گذاشت و بانرا رسیدن روزه ۱۵ خرداد فرصت مناسبی برای انجام تظاهرات به دست می‌آورد.

در این روزه، ابتدا با گرفتن مجلس یادبودی، خاطره شهیدای ۱۵ خرداد را گرامی داشته و سپس شروع به شعار دادن می‌کنند. در این موقع ساووران در مدرسه رابسته و مانع آب پاش جلوی در اینها ده و مرتب آب می‌پاشد، تا هم کسی بیرون نرود و هم از هان مردم را منحرف کرده و بگریند اینجا آتش‌سوزی شده است. طلاب بلند گویی پیدا کرده و با نصب آن بر بالای در مدرسه شروع به شعار دادن میکنند. از جمله شعارها می‌گفتند: « درود بر خمینی، مرگ بر این حکومت پزیدی، ای پلیس‌ها هنوز نیر نشده مثل ستوان امضایان به مجاهدین پیوندید! »

در بیرون مدرسه و صحن چون شب جمعه بود جمعیت زیاد بود و سرودهای طلبه هابهات گشت مردم به‌نتر از حسام کنند. پلیس برای متفرق کردن مردم و خواباندن سر و صدا چستند گاز اشک آور در مدرسه و بیرون مدرسه رها میکنند. هرکسی چشم خود را گرفته و بیطرفی فرار مینماید و این موضوع گاز اشک آور عجیب و لوله‌ای در مردم راه مینماید. بهر حال مردم پراکنده میشوند.

در این روزه یکبار دیگر بین پلیس و طلاب درگیری صورت می‌گیرد که طی آن عده‌ای از طلاب مجروح میشوند و پلیس نیز بازخی دادن سه پاسبان و ۴ افسر عقب‌نشینی میکند. پس از عقب نشینی پلیس درهای حوزه بسته میشود و طلاب به نوبت تا صبح در بام حوزه نگهبانی میدهند. گاهی شعار میدهند، گاهی آصاده‌های بیگ بگر داده، مدرسه را بر از چوب‌دستی راجبر مینمایند و خود را برای مقابله با حمله احتمالی پلیس آماده میکنند (۱)

(۱) جمع آوری چوب و سنگ در مدرسه برای مقابله با پلیس و اتخاذ برخی تاکتیکهای نهایی مناسب برای دفع حملات و تیرنگهای ابتدائی پلیس نشانده رشد جنبش طلاب علوم دینی و روحانیت مبارز است. بدین معنی که دیگر تظاهرات و عطیات افشاگرانه طلاب مشکل مظلوسانده و آرام‌نده‌اشته و عناصر مشخصی از خشونت‌انقلابی در آن موجود است.

اما اینها تازه ابتدای کار است و جنبش طلاب علوم دینی و روحانیت مبارز هنوز راه زیاد

در این ضمن با مراجع مختلف مانند شریعتداری، گنهایگانی، نجفی و دیگران تماس میگیرند و از آنها میخواهند که بین آنها و پلیس میانجی شوند و از خوتریزی جلوگیری نمایند. اما ترتیب اثر داده نمیشود و بقول طلاب: چون در شمارها و مجالس اسمی از آنها برده نشده بود در حل مسائل طلاب نیز احساس مسئولیت نمیکردند. (۱)

سر شب در حدود ۲۰۴ نفر که از طرف رودخانه میخواستند فرار کنند، دستگیر شدند. در این شب طلاب دو پرچم از بالای مدرسه آویزان نمودند که روی آنها بنظر سرخ نوشته شده بود: "سیزدهمین سالگرد پانزده خرداد را به پیشگاه امام خمینی تسلیم عرض میکنیم" (۲)

دارنا استحکام لازم را بدست آورد. بعنوان مثال جمع آوری این تجهیزات (چوب و سنگ) در مدرسه میتوانست همراه با برنامه ریزی مشخص و اتقان تا کتیکهای ضامب برای جنگ و گریز با پلیس ضررهای وارده به تظاهرکنندگان را به میزان زیاد کاهش دهد و پیروزیهای تظاهرات را چند برابر نماید. در حالیکه ماندن در حوزه و بستن درها بروی خود پلیس - اشغال مواضع دفاعی - نتیجه ای ندارد جز این که پلیس با تجهیزات کامل و با خاطری آسوده تردد در محل مشخص و محدودی به برورش و حیثیتش پرداخته و همه را در چهار دیواری اطاقها و یادرسه به دام انداخته و بخون بکشد.

اینها همه ضرورت بالابردن آگاهی سیاسی، سازماندهی هر حرکت مبارزاتی و ارتقا یافتن کتیک های عملی کار را میرساند که باید مورد توجه طلاب مبارز علوم دینی قرار گیرد.

(۱) تماس گرفتن با مراجع و خواستن چنین کاری از آنها اگرچه خود به سز بندی جنبش و ضد جنبش در درون روحانیت کمک کرد ولیکن این انتظار که اصول این آقایان بتوانند کتیک در جهت جنبش بکنند انتظاری نادرست است و نشانه همان فقدان برنامه ریزی و تعیین تاکتیکهای ضامب در مراحل مختلف تظاهرات برای مقابله با اقدامات پلیس میباشد. این مسئله پیش از هر چیز ضرورت اتکا بخود و نیروهای موجود در جریان تظاهرات و سازماندهی و بالابردن آگاهی سیاسی تا کتیک آنان را میرساند تا بتوانند بر مبنای محاسبه نیروهای مشخص در میدان عمل برنامه عملیاتی خود را ریخته و تظاهرات را تا پایان با کمترین تلفات و بیشترین بهره برداری سیاسی به پایان برسانند.

(۲) این شعار، شعار درستی نیست زیرا قیام تودمائی بود؛ خرد را فقط از زاویه شهدا و از سبب اسناد بیان زمان دیگر، ناظر بر گذشته است تا بر آینه در این شمار خونهای که داده شده، میسر کرد به عبارت دیگر، ناظر بر گذشته است تا بر آینه در این شمار

و\* بیهاد آن محرم نیمه خردار، خسروش خشم انسانهای آزاده، خمینی و خمینی‌ها!

صبح، در مدرسه باز شد، آجرها و چوبها جمع آوری گشت و وضع بحال عادی باز گشت. در این روز ابعلاصه های دستنویس مختلف بدرون یوار دیده میشد و روز جمعه به آرامی گذشت. شب شنبه پس از نماز، طلاب در مدرسه را بستند، برق حجره ها را خاموش نمودند و پرتاسه شب قبل اجرا شد. پلیس که در این شب خارج مدرسه راز و جیز مردم خلوت کرده بود، بمب گازاشه آور بدرون مدرسه انداخت اما طلاب فرس روی آن انداخته و آب ریختند و باین ترتیب آتراختی کردند (کاریکه شب قبل بلد نبودند.)

صبح شنبه طلاب بعنوان خشم نظاهرات، چوبها و سنگها را جمع کردند و در مدرسه را گشودند تا بکاربرد مره شان بپردازند. اما جوجو خارج از مدرسه حکایت از این داشت که دشمن نظاهرات را خانه پانته تلقی نکرده و تازه آماده هجوم و طع وضع طلاب شده است. از اینرو هیچ طلبه ای بیرون نرفت و در مدرسه مجددا بسته شد و پرتاسه شب قبل آغاز گشت.

طلاب گاهی در مدرسه شعار میدادند و گاه عده های روی بام رفته و همداد با افسرادون صحن بنام اردان می برداختند. پیش از ظهر بر جم سرخس بر می افرازند و برقی روی بام - در کنار برج - مراقب ایستاده و از وضع بیرون خبر میدادند و گاه فریاد می زدند:

"همه آماده باشید، هم در فیضیه باشید و هم در دارالشفاء"

بدنحال این فریاد هاعده ای از طلاب بدرون مدرسه، بطرف سنگها و چوبها هجوم برد و آمادگی میشدند. عده ای دیگر نیز همواره چوب بدست بودند و تعداد قطعی نیز که از این وضع نگران بودند در گوشه حجره های بر می بردند.

پشت مدرسه دارالشفاء، برجی با خط سرخ نمایان بود که روی آن نوشته شده بود:

"مردم سلیمان، سه روز است فیضیه را محاصره نموده و بخاک و خون کشیده اند. این برج از خیابان تهران بخوبی دیده میشد."

این برج و آن برج سرخ، پلیس را بسیار ناراحت کرده بود و چندین بار سرهنگ جنوادی

بجای اینکه بر محتوای انقلاب و نتایج تاریخی ۱۵ خرداد که اشراط زیادی در جنبش ما داشته است، تکیه شود، بر تلفات قیام و ضربات و صدمات آن تکیه شده است. برادران طلبه میتوانند مثلاً شکست رژیم و اصلاح طلبی را در این روز، تیریک بگویند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

معاون شمیرانی قم پشت در دارالشفاء آمد و گفت: " سه نفر سه نفر بیاید بروید ماکاری باشما نداریم و بر جیم هارا پائین بکشید ". ولی طلبه ها گفتند: " اگر شما ماکاری ندارید معاصره را بشکنید و وضع عادی میشود مگر از قبیل " و این حرفهای او را بیترکی میدانستند و یکمرتبه از داخل مدرسه آنچنان بطرف او هجوم بردند که او فرار نمود و طلبه ها با شعار حق بر باطل پیروز است از دارالشفاء به فیضیه برگشتند .

پیش از ظهر همین روز طلبه ها متوجه میشوند که از شماره های حرم عکس بر میدارند لذا هر کسی بنحوی چهره خود را پو شاند تا عکس او گرفته نشود . (۱)

طلبه ها منتظر بودند که در بیرون اقدام شود و با وساطت مراجع معاصره شکنند و استقامت های در بیرون به مراجع زیاد فشار میآورند و از آنها میخواهند که مراجع حرکت کند مدرسه هزار نفر اصرار و طلبه ها دنبال سر آنها راه افتاده و بنواهند با آمدن بدرسه معاصره پیش را بشکند و با اصطلاح غائله را تمام کنند ولی سر بیعتدار میگردد صلاح نیست (۱) و بعد از ای از غلاب او را بجهت این کوتاهی خائن میدانند . (۲)

در این روز وقتی طلاب روی بام شعار میدادند ، عده ای از او باش بتحریرک ساواک مدرسه و غلاب را از طرف رودخانه سنگ باران کردند و این امر باعث شد طلاب از پشت بام پائین بیایند در همین روز عده ای از طلاب از دیوار دارالشفاء به بیرون فرار میکنند .

در این دو سه روز شمار هلاکت بودند از :

" دودیسر خصمی ، خصمی رهبر آزادگان ، پهلوی مزدور بیگانگان ، سرگ برایشن حکومت یزیدی زندان مکان دلیران است ، زنجیر فولادین برای شیواست ، جای آزادگان گوشه زندان بود - این سرام شنگران دوران بود ."

روز شنبه پلیس دستور داده است تمام مغازه های آن محوطه تعطیل گردند و نمیگذشت مردم از سه راه سوز و سر خرابان چهار مردان نژادیکتر بیایند و اگر جمع میشدند آنها را تارو مار میکرد . تنهار خیابان تهران ، مردم فیضیه و طلاب روی بام رامید بدند . در این روز طلبه های

(۱) پلیس همواره قبل از هجوم به دانشگاه و یاد ارس یا تظاهراتی دیگر از این قبیل شروع به عکس برداری میکنند تا مدارک لازم را جهت شکنجه ، بازجویی و بلوف داشته باشد .

(۲) این هم ناشیدی است بر آنچه در صفحات گذشته گفتیم . یعنی ضرورت برانگاه به نیروهای خودی ، آهوزن ، سازماندهی و مدارک و افتخار تاکشیک های مناسبه چشم دوختن به فضل و کرم " فضلا " (۱)

مدرسه خان که روی فیضیه است به کمک طلبه های فیضیه برخواستند و از روی بام شروع به شعار دادن کردند ولی زود سرکوب شدند . بهر حال ساعت پنج بعد از ظهر شنبه کماندو هائی که بوسیله هلی-کوپتر از تهران آمده بودند از بام مسافر خانه ای که پهلوی درصحن است بطرف مدرسه حمله کردند . در این موقع پلیس یا بلندگو برای انحراف از هان مردم در بیرون اعلام میکرد :

هرکس بیگناه است در حجره اش بنشیند . هرکس میخواهد مقاومت کند وسط مدرسه بایستد هجوم و حشمانه کماندوها آغاز شد . کماندوها از طبقه دوم به طبقه اول و از آن طبقه به حیاط مدرسه پریدند و یادرنده خوشی تمام به ضرب و شتم طلاب پرداختند و طلاب هم خود را باختند و هر کدام به طرفی فرار کردند (۱) . سه ربع ساعت کماندوها در این دو مدرسه تاخت و تاز کردند . تمام درها و پنجره های حجرات را شکستند هر حجره چه باز و چه بسته بهم میسریختند و هرکس در هر گوشه ای پنهان شده بود بیرون میکشیدند و همه را در مدرسه دارالشفا جمع نمودند . هر فردی را که کماندوها در حجره هادر مدرسه پیدا میکردند تا در دارالشفا باجوب و با توم و به قصد کشت میزدند . در این سه ربع ساعت صرب صدای یا الله ! یا حسین ! و ناله و فریاد فضای مدرسه و حتی بیرون را ( بطوریکه مردم در خیابان تهران می شنیدند ) پر کرده بود .

کماندو هادر حدود ۲۰۰ نفر بودند پاسانهای قم و زاندارمهایی که از تهران آمده بودند و همچنین مأمورین سازمان امنیت قم به آنها کمک کردند . اکثر افراد مجروح شده بودند و همسه جای این دو مدرسه ، خون آلود گشت . در مقابل بورش غافلگیرانه و تهرکنز گارد و حشی رژیم ، طلاب نتوانستند مقاومتی بکنند . تنها مقاومت محدودی از سوی معدودی از آنها صورت گرفت . کماندوها هر کدام با سیر ، باطوم زود رنگ ، کلاه خود ( که صورت را می پوشانند و هم ضد گاز بود و هم ضد سنگ ) ، اسلحه کمری ، چکمه و علامت جود و کاراته که روی سینه یا

(۱) روشن است که بدون برنامه مشخص و متناسب با اهداف تظاهرات برای مقابله با هجوم پلیس در محیطی بسته که هرگونه راه عقب نشینی برای طلاب بسته است و بدون هیچگونه آرایش دفاعی یا هجومی برای شکستن معاصره ، خود باختگی امری غیر طبیعی نیست . طلاب علوم دینی <sup>متناسب</sup> میبایست با هدفیاتی که از این تظاهرات داشتند ( مثلاً افشاکاری رژیم یا بالا بردن آگاهی مردم و نشان دادن فجاج و جنایاتی که برزندان ایشان میگذرد یا بسزگه انست . اخرد اوسه ) برنامه عمل خود را تدوین و بسن کرده و با استفاده از شیوه های گوناگون و متنوع تظاهرات خود را شروع کرده و ختم میکردند و سپس با جمع بندی اشتباهات خود برنامه های آتی را در جریان کار میسریختند . اینها همه کارهایی است که ضرورت تشکیل هسته های مسئول نیمه مخفی - نیمه علنی را برای رهبری تظاهرات و آموزش لازم نوده و طلاب نشان میدهند .

بازوی آنها بود و در سه شدند همه طلاب را یکجا جمع کردند . رئیس شهر بانی و رئیس سازمان امنیت قم آمدند و ابتدا اداری فحاشی کردند و بعد طلاب را بطرف در دارالشفاء حرکت دادند . پشت در با تو مبارزه سر طلبه هزار که اکثر آنها بیک بهیرواسن وزیر نلوار بودند (گرفتند و گفتند: " بگوئید جاسوید شاه و دست خود را تکان دهید " . پس از چند دقیقه ( که عده ای گفتند و برخی فقط در کشیدند ) همه را در دارالشفاء به داخل ماشین ریختند و بردند .

ماهرچه در کشار شما با آنها روی با صهاریدیم انبوه مردم بود با قیافه های فضاک و گریان و منازعه هاهمه بسته بود .

وارد شهر بانی قم شدیم و پس از اینکه در یک اطای بازرس بدنی شدیم به خلوت ماندنی کسی میگفتند زنند آن زنان بوده منتقل شدیم . این زندان یک شهر آب داشت و یک نوانت و اطافه که چکی بستنی توانستیم پہلوی هم بنشینیم و تا ظهر روز بعد آنجا بودیم . آخر شب برای هر چهار نفر یک نان سنگک مانده با مقدار کمی پنیر آهکی آوردند .

تعدادی از عکسهای را که گرفته بودند تطبیق کردند و ۱۱ نفر از ما را جدا کردند . یکی از ما بوی آمد و برایمان صحبت کرد . او گفت :

" شما با شاخ کاه جنگ میکنید ؟ خیال کردید ما بپر کفندی هستیم (۱) و ... ! " روی بسام پاسانی بود که نگهبانی میداد و گاهی میگفت : " همه بیک تاسه سال زندان برای خود درست کردید ! شمار در ستاخیز نام نویسی کرده اید ؟ ! اها تصور در ... شما باید کرد ! "

(۱) واقعا که بهر کفندی هستید ! لیکن نه در تاکتیک بلکه از نقطه نظر استراتژیست ، امیر یالیم و کلیه مرتجعین بهر کفندی هستند . دشمن بطور تاکتیک قوی است بهین جهت در عطیای خود از هر نوع که باشد باید بدشمن بر بهاید هم و نیروهای خود را کاملا بسیج کنیم و آرایش متناسب با تمامال نیروها به صخر ف خود بد هم . شغاری که طلاب میدادند " حق بر باطل پیروز است " اگر چه شغاری است در دست ولی دل بستن به این شعار اگر جنجرباین شود که مارا ( بهر ایته در نهایت حق بر باطل پیروز میشود ) از بر ناسه ریزی مشخص و افتخار تاکتیکهای متناسب با اهداف فکسهای عطیات خود ( تظاهرات اعتصاب و ... ) باز دارد ، این شمار به عامل ضد خود تبدیل میشود و سبب هیز بر ن نیروها خواهد شد . در حقیقت چنین استنباطی که مفهوم ضرب المثل نادرست " تو نیکی میکنی در درجه انداز " است ، غیر مسئولانه و نیرو بر بارده است .

آشنایی در بین بسیاری از نیروهای مبارز مذهبی چنین تصور نادرستی همواره موجود است

مستأفانه در بین بسیاری از نیروهای مبارز مذهبی چنین تصور نادرستی همواره موجود است

که گویا وظیفه یک مبارز مذهبی فقط شهادت شدن و شکنجه شدن و آزاد شدن است در حالیکه وظیفه

روز بعد، از همه عکس برداری و انگشت نگاری کردند و ساعت چهارم از ظهر ما و کسانی را که شب جمعه هنگام فرار اطراف مدرسه دستگیر کرده بودند باهفت ماشین بتز به تهران فرستادند. هر ماشین ۱۲ واند ارم و کماند داشت که لاپلای طلاب نشسته بودند. تقریباً ۳۰ پشرف را با این بنزها به تهران بردند. در راه گاه و بیگاه تکمید اشتقد و فرمانده واند ارمباراننده هاراجع میگرد و مقداری برایشان صحبت میگرد و باین صیم باتهران تماس میگرد و در باره حرکت میگردند. در بعضی از بنزها واند ارمبارستب فحش میدادند و به طلبه ها میگفتند: "جاو پست شاه بگوئید و به خمینی فحش بدید! یکی از طلبه ها که اعتراض میگرد سرش را ز برصندلی کرد و واتهران با نه تفنگ به گوش میگردیدند یکی از واند ارمباروقی ماشینها به بهشت زهرا میگردند به طلبه ها شماره هارانشان میدهد و باوقاحتی احمقانه میگوید: "اینهاراناه ساخته. آها... (یکی از دو حاتون میاند) چنین گوی میواند بخورد!؟ سلمانسه" (فقط شاه و دارو رسته اش و مرتجعین مذهبی وابسته میوانند بخورند).

بنز هاحد و ساعت ۹ شب به تهران میگردند و سپس از گذشتن از جاده پارک وی و بسک خیابان پر از درخت به منطقه ای نظامی میگردند که همان اوین بود. اطراف ماشینها پر از سر بازان صلح بود. حتی بالای چنارهای تنومند سر باز صلح گذاشته بودند. یکی از سروانها گفت: "اینجا متفرق نشوید و چشمهای خود را ببندید و اگر نه اینها شمارا خواهند کشت". بهرحال ما را چند نفر، چند نفر با چشم بسته از پله ها با نظرف و آنطرف پائین و بالا برده پاتاب داده و یکجا جمع نمودند و بحالت آدم سجده کرده روی زانو میخواست بایانند و میگفتند:

"دستان را روی چشمتان بگذارید" افسراد خسته شدند. پیرمردی بود که پس از یکساعت نتوانست طاقت بیاورد و بلند شد و گفت: "مگر ما زنا کردیم!؟" سر بازها وحشت زده در دهانش را گرفتند و در اطراف او ایستادند این اعتراض او باعث شد که اگر دیگران میگفتند با این شکست اجازه دهند پایشان را دراز کنند. این خوابیدن سه چهار ساعت ادامه داشت. این کارو تاب دارن با چشم بسته را چون اکثر افراد

**گرمساز، کوشش** برای هرچه بیشتر خدمت کردن بخلق و هر چه بیشتر صدمه زدند و ضربه زدند به امپریالیسم و ارتجاع میباشند. از اینسو هر فرد میساز هرچه بیشتر بتواند نیروهای خود را در راه تحقق اهداف فوق بکار گیرد و هرچه بیشتر بتواند از جنگ پلهس فرار کرده و بزندگی انقلابی خود (نه زندگی توجیه کارانه و فرصت طلبانه که هیچ حرکت میسازد جوانه ای در آن دیده نمیشود) ادامه دهد، در اینصورت کاملاً منافع خلق و جنبش را رعایت نموده است. چنین عنصری در حرکت انقلابی خود هرگونه شکست دیده زندان را تحمل کرده و هرگز از ادامه و تیرباران نیز نخواهد هراسید. در یک سخن وظیفه یک مبارز تنهاسبید شدن در راه خلق نیست بلکه وظیفه یک مبارز زندگی انقلابی و رسیدن آن به شهادت انقلابی در راه خلق

است. آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نشسته بودند باعث گشت روحیه خود را بازنند . (۱)

پکساعت بعد از نیمه شب مارا با زسی بدنی نمودند و باطاقهای زندان بردند . در هر اطاق ۲۰ نفر را جای دادند که در اطاق فقط میتوانستند بنشینند . هر اطاق دارای ۲۰ پتر ۲۰ عدد قاشق و گاه و بشقاب بود . اول همه خیال کردند اینجا پادگان است و همه مارا بسر بازی آورده اند چون تمام نگهبانها بالباس بسر بازی بودند .

در روز اول يك استوار کننده با چند درجه دارفرتی باطاقها سر زدند او در هر اطاق چند نفری رامیزد و مقداری غذا شی میکرد و میسرفت . در یکی از اطاقها سراغ طلبه "رضی العالی" رفت و گفت : توجه کاره ای "وی در حالیکه دست پاچه شده بود گفت : "سر اعلی حضرت من نبودم" این حرف درجه داران را راحت کرد و در جاهت ضربه شلاق باوزد .

این بر نامه "ریز اول بود و هر کس از این تهدیدها غمگین است خود را نباخت . از روز دوم باز جوشی شروع شد . حد تا باز جوشی در ۶ الی ۷ روزه را باز جوشی نمودند . هر کسی راضی میگردند ظهر و باره باطاق باز میگرددند و بعد از ظهر دو باره میسرتند . دهه ای را ۶ الی ۷ مرتبه بسره باز جوشی کسانندند .

افرادی را که مجروح بودند و در قم یا نمان کرده بودند بخیال اینکه اینها در طی حظه کساندها مقاومت کرده اند بیشتر از سایرین میزدند . برخی افراد زیر شکنجه اراده خود را از دست داده و جلا به سر لودان اطلاعات خود و اعتراف علیه دیگران ، در اطاق هانیس بجاسوسی می برداختند . (۲)

(۱) چنین رفتاری بخصوص برای کسانی که تاکسون اطلاعی از شیوه های عمل ساواک نداشتند سبب تضعیف روحیه شده بود .

(۲) در هر جریان عناصر زبون و متزلزلی یافت میشوند و لیکن لورقتن برخی از اطلاعات را نمیتوان صرفا با ضعف اراده تبیین نمود . اصولا اتکا صرف به اراده و روحیه فرد امریکه زیر شکنجه قرار میگردد بهیچوجه درست نیست بلکه علاوه بر اراده ( که محصول زندگی طبقاتی و برانیک مبارزاتی و آگاهی فرآست ، سازماندهی درست نیروها را بابت درست اصول مخفی کاری آموزشهای تاکتیکی در سر خورد با پلیس ، باز جوشی و . . . از عوامل مهم و تعیین کننده حفظ اطلاعات در هر جریان مبارزاتی و مناصر وابسته به آن است .

در این جریان نیز همانطوریکه قبلا اشاره کردیم ساله عدم سازماندهی درست نیروها و عدم رعایت اصول تلفیق کارلغنی و مخفی و . . . از جمله عواملی بود که شدت ضربه را چند برابر نمود و بسره پلیس امکان داد تا بتواند در مدت کوتاهی اطلاعات زیادی بدست آورد .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



وقتی میخواستند افراد را آزاد کنند از همه تعهد گرفتند که هرگز در اینگونه کارها شرکت نکنند و اسرا زندان را در پیروان نقل نکنند. هرکس حدود ۵۰ تومان و اگر میخواستند دلش را برای همکاری بدست آورند (در اثر ضعفی که نشان داده بود) یک بار بیشتری به عنوان گزافه مائین خرج سفر میدادند و دسته دسته در گوشه ای از تهران رها میکردند.

قبل از آزاد کردن برای همه یک شکم صحبت نمودند و گفتند:

«در بین شما افرادی هستند که مارک مجاهدین را به پیشانی میزنند. مواظب باشید آلت دست بیگانه نشوید. ما باید حزب مخالف هستیم (۱) بر روی مسائل مذهبی را یاد بگیریم و خانواده نان بر اصلاح کنید تا کشور اصلاح شود. (۱۱) ما را دفعه دوم ایجاد بده شوید و گزافه سرگرد است و یا حیس ابد و شکنجه تا دم مرگ. ما هرکس شماره پیداکرده ایم و آنها را نگه میداریم...»

#### نتایج این تظاهرات (۲)

۱ - عطمت زندان اوین و ترس از زندان و چشم بستن و غیره در پیش دستگیرشدگان از بین رفت و اینها همه میگفتند و قهرا طرز بازجویی و لورفتن هارا هم دیدند و هرکس میگفت: عجب کار ما حساب نشده بود.!

۲ - لمس کردن با توم و شلاق و سختی زندان باعث گردید که همه ای از وضع طاقت فرسای انقلابی زندانی را احساس کنیم.

۳ - هرکس نمیدانست که راه تظاهرات پیش نمیرود و باید دنبال راه حل اصولی تشکیلاتی و نظامی رفت و کار چریک‌های متواریستند. (۳)

(۱) رژیم نه تنها با "حزب ارتجاع" مخالف نیست بلکه کوشش وسیع در جهت گسترش آن و نخندیدن توده های زحمتکش مادر دارد و لیکن آشکارا مخالف مذهب مبارز است که خواست بخشی از توده تحت ستم ما را بیان میکند. برای رژیم مسئله حیض و نفاس گرفتن و دعای ندبه خواندن نه تنها هیچگونه ضرری ندارد بلکه فایده هم دارد.

(۲) این نتایج از دید طلبه مبارزی است که در تمام مراحل مستقیماً شرکت داشته است.

(۳) این نتیجه گر اینکه نمیتواند بصورت مطلق درست باشد ولی از آنجا که میتوان به راهگشایی و هدایت این نوع مبارزات بیانجامد قابل توجه است. گرفتن این نتیجه از طرف طلاب و خود نشانه این است که آنها به حال به نارسایی هائی از مبارزه خود پی برده و توجه شده اند که با آن شیوه هائی که

آنها به خورد کردند، نمیتوان با دشمن برخورد کرد. ←  
 ارشاد اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

در بازجویی از افراد میپرسیدند: "در فضیحه چه میکردی؟ جبراً آدمی؟ کجای زندگی میکردی؟ شمار هاجی بود؟ ..."

یکی از افرادی را که ظاهری آراسته و دانشجوئی داشت بیشتر با وظیفین شده و مسکن او را تحقیق میکنند، دروغ در میآید (۱) بحساب اینکه مسکن است عضو سازمان مجاهدین خلق باشد، او را ندیدند شکنجه میکردند. همچنین به افرادی که مسکن خود را ابتدا یکجا و بعد آجای دیگری گفته بودند، مشکوک شده و وحشیانه شکنجه میکردند تا شاید ارتباط او را با مجاهدین کشف کنند (۲)

در ریزهای اول بازجویی روی افرادی را فشار میآوردند و دنبال "محرکین" اصلی میگشتند و میخواستند دست گروه با اصطلاح خرابکاری را در این کار پیدا کنند. طلبه ها میدیدند بسیار مناسب (۳) است، کوبی را "محرک" بدانند چون او هم سخنرانی کرده بود و هم ۸۰ سال داشت و هم معروف و شناخته شده بود و هیچ مارکی با او نمی چسبید.

بعد از اتمام بازجوییها باز داشتند گان چند دسته شدند:

۱- در حدود ۲۵۰ - ۳۰۰ نفر را پس از بازده ریز آزاد کردند. این افراد با من آنها کثرت از هیچده سال بود یا زن داشتند یا من بودند و با افرادی ساده بودند که در حالتی در نظاهرات داشتند. مسکن است در این آزاد شدگان عناصر سوری نیز بوده باشند که با استفاده از محلهائی که ساخته بودند پلیس نتوانست از آنها برگه ای بگیرد.

۲- در حدود ۱۰۰ نفر را بر بازی بسرند.

۳- در حدود ۵۰ نفر میتوان عامل اصلی شناخته شدند و کارشان سخت است و زیاد شکنجه میشوند. (۴)

جمع بندی دقیق این حادثه برای برادران طلبه مادرسیای فراوانی خواهد داشت. بخصوص وقتی که با مطالعه و بررسی آثار تجریمی انقلابیون مانند مائیتیز سازماندهی و تاکتیکهای مبارزه با پلیس خاطرات یک چریک در زندان و همچنین تماس با گروهها دانشجوئی دانشگاهها برای کسب تجربه و شرکت در تظاهرات و اعتصابات آنها همراه باشد.

(۱) ساده ترین آموزشی که میتوان از این جریان گرفت اینست که کسانی که در تظاهرات و اعتصابات شرکت میکنند باید قبلاً محلهای خاص برای خود درست کرده و منزل و جیبهای خود را از هر گونه مدارک سیاسی پاک کنند.

(۲) باز هم لازم بتذکر است که در یک برنامه تظاهرات حساب شده (متناسب با توانائی خود) هرگز چنین دستگیری وسیعی نباید صورت گیرد. توجه کنید به تظاهرات دانشجوئی دانشگاههای تهران، تبریز، اهواز و... که علیرغم تظاهرات وسیع و مؤثر شان پلیس رافاقتگیر نموده و کمترین تلفات را دیدند.

۱- جریان حوزه و مبارزات طلاب چند ریزی برای مردم مسئله ریز بود و زن و مرد در باره آن صحبت می نمودند و هر کس از دیدگاه اجتماعی خود نسبت به این جریان قضاوت میکرد. یکی میگفت طلبه ها میخواستند اندک پاسبانها را بزنند آنها هم طلبه ها را گرفته اند. جای دیگر عوامل رژیم شایع کرده بودند که طلبه ها میخواستند اندک به مدرسه دخترانه حمله کنند لذا پلیس آنها را گرفت. ولی اکثر مردم دلسوزی میکردند و ناراحت بودند و نسبت بر رژیم خشمگین بودند و به مراجع که میتوانند اندک دخالت کنند و نکرده اند بد میگفتند.

خلاصه اینکه این تظاهرات به بالا بردن آگاهی سیاسی مردم کفایت نمود. طلبه ها نیز به مراجع هر

چه بیشتر بدبین شده و آنها را مسئول این فاجعه میدانستند.

۲- در تمام مراحل این ماجرا روشن بود که دستگاه روی امکان وجود شبکه با گروهی از سازمان مجاهدین در حوزه زیاد حساس بود. (۱)

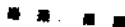
→ اما اینکه این شکست و این نتایج به نفع هرگونه تظاهرات و کار سیاسی و لشعاب و غیره بیانجامد، بهیچ وجه درست نیست. آنها از فقدان عنصر رهبری و سازماندهی در مبارزه خود که علت اساسی عدم موفقیت در تظاهرات و تلفات زیادشان بوده است، نفع اساسی این نوع مبارزات را نتیجه گرفتند که نمیتواند درست باشد. باید توجه داشت که رفتن بدنیال راه حل های اصولی کارتشکیلاتی و سیاسی - نسائی بمعنای نفی تظاهرات و مبارزات صنفی - سیاسی نیست بلکه برعکس، رهبری، هدایت و ارتقا همین مبارزات تا عالیترین سطوح مبارزه سیاسی - نظامی است که کارتشکیلاتی و اصولی را ایجاد میکند و بنابراین نه تنها این نوع مبارزات نفی نمیشوند بلکه مبارزات صنفی - سیاسی، تظاهرات، بخش اعلامیه و... خوب پرورشگاهی است که میتواند عناصر پیشرو و کارآمدی را تربیت کند که صلاحیت حرکت در گروههای سیاسی نظامی را داشته تا متقابلاً بتوانند سطح این مبارزات را چه از نظر سازمانی و چه از نظر سیاسی، ارتقا بخشیده و آنها را هدایت کنند. هسته رهبری کنند. این مبارزات باید شیوه ها و متدهای تئورسی را برای خنثی کردن سرکوب پلیس و موفقیت عملیات خود، بنا گیرند.

(۱) این مسئله که رژیم همواره در جریان تظاهرات بدنیال عناصر و شبکه رهبری میکرد، خود

نشانه تئورسی رژیم از تظاهرات و انتمابیات رهبری شده و سازمان یافته میباشد. رژیم در تجربه سالها سرکوب جنبش های توده ای خلق ما، این را بخوبی درک کرده است که تا زمانی که این جنبش ها سر خود بخود می داشته و فاقد عنصر رهبری و سازماندهی و ارتباط مشخص با سازمانهای پیشتاز باشند، حتی اگر از نظر کمی رشد زیادی هم کرده باشند، برایشان براحتی امکان سرکوب هست. و با سرکوب وقت آن براحتی میتواند مدتی نفس راحت بکشد و در ضمن اینصورت هرگز نخواهد توانست از داشته رو به توسعه، ارتقا و استمرار

۱- آکسیون (تابستان ۵۵) وضع طلاب در قم به است بطوریکه يك حالت ترس نوازم باخشم آنها را فراگرفت است ولی از این همه کشته شده نهار دستگیرها نوبه نشده اند و در بی فرصتی خاصند که بمسأله خود ادامه دهند.

آن ولو اینکه در سواریه نیز آن را بنسبت سرکوب کرده باشد، جلوگیری کند، پس الاخره اینکه این مبارزات با آید مسئولیت و وظائف سنگین سازمانهای انقلابی پیشتر است. بالا بودن پیمانهای انقلابی این مبارزات از یک طرف و نبودن ضرر رهبری در آن از طرف دیگر، نشان میدهد که سازمان جنبش در شرایط فعلی پاسخگوی نیازهای رو به توسعه حرکت خود بخود و اقتدار و طبقات مختلف خلقی نیست. بدین معنی که سازمانها و گروهها پراکنده انقلابی علنی خود ستاورد های زیاد یکی که در جریان پراتیک انقلابی بدست آورده اند، هر یک به تنهایی توانائی حل مناسبات بین خود و حرکات انتشار و طبقات خلقی را ندارند. پراکنده گیها، غرور، کار بهاء، گروهی گرایی و... موجود در گروهها و سازمانهای انقلابی وارد در میدان نبرد، توانائی جنبش انقلابی را از پرداختن به حل مناسبات بین خود و جنبش های خود بخودی سلب نموده است. باین ترتیب راهجانبیز این مسئله جنبش میخورد که اشکالات کارونفاقص اساسی موجود در امر ارتباط با جنبش های خود بخودی رانسیس توان مجرد از نقائص و ضعف ها و اشکالات خود سازمانهای انقلابی و مبارزه بخاطر از بین بردن آن، و مجرد از ارتباط بین خود این سازمانها جستجو نمود. و گرنه در این شرایط وحشتناک سیستم پلیسی و در تحت سیاه ترین دیکتاتوری های پلیسی در طول تاریخ، وقتی این جنبش ها باین کیفیت که بر اساس همین جریان بر تلاطم درونی جامعه ما و کیفیت بالای سطح مبارزاتی آنست، دیده میشود؟ ریشه اصلی نارسائی های جنبش انقلابی خلق را بطور کلی در کجا و در چه چیزی میتوان جستجو نارسائی ها و نقائص موجود در رهبری و عقب ماندن آن از این جنبش ها جستجو نمود؟ ماهمانطور که قبلاً نیز عملاً نمودیم، معتقدیم حل مناسبات ما بین جنبش انقلابی پیشتر و مبارزه طبقات انتشار مختلف خلقی و جنبش های توده ای به حل مناسبات ما بین خود سازمانهای انقلابی و مبارزه بخاطر آن بر میگردد. باین ترتیب ما در اینجا و در رابطه با این مسئله نیز مجبوریم هر چه بیشتر تا کسب خود را روی این مسئله بگذاریم. ما معتقدیم که بنظم و خط در آوردن تمام فعالیت ها و نیروهای انقلابی تحت یک چهارچوب واحد درست آن هم عملی لازم و بجائی است که میتواند مرانجام مسئله مناسبات جنبش انقلابی پیشتر را با جنبش های توده ای و مبارزه طبقات و انتشار خلقی، حل کند.



### گزارش دوم از تظاهرات قسم

طلبه جوانی که از هنگام حمله کماندها مدت ساعت و یک گجه حنجره‌ای در درسه فیه مغلنی شده بود جریان واقعه را چنین تعریف می‌کرد:

صبح پنجشنبه ۵ خرداد ۵۴ برای شهدای ۵ خرداد ۲۴ در درسه فیه ختم برگزار بود مأمورین ساواک در ضمن رفتن آمد مجلس را کنترل می‌کردند تا اینکه یک نفر در مجلس شروع به صحبت می‌کند و از تهنیت ۱۵ خرداد و آیت‌الله خمینی بدگوشی‌ها می‌نماید. طلبه‌ها که انتظار چنین اراجیفی را ندانستند متقلب گشته و او را کشتک مغلنی می‌زنند و بعد هم در درسه ناسف و گریه و زاری می‌کنند. از او برخاسته بودند کشتک مغلنی می‌خورند. در این حال اختلافات پلیس سر حریجه و در درسه حدود ۲ تا ۳ نفر را دستگیر می‌کنند.

ساعت ۸ بعد از ظهر همانروز عده زیادی از طلبه‌ها با چوب و چغاق و شمارهای سیاسی سرگ پسران خان "آزادی زندانیان" در دره بر مجاهد وارد میدان جلوی صحن می‌شوند. این بار پلیس با ماشین آب پاش جمعیت را متفرق می‌کنند.

صبح روز جمعه طلبه‌ها با شعارهای: "یاران ما زندانیان" "خواست ما آزادی زندانیان" "در دره بر مجاهد سرگ بر آرمه" تظاهراتی بر پا می‌کنند که ضربه بسته شدن درب حرم و صحن بی‌گردد. با دخالت پلیس جمعیت متفرق می‌شود.

صبح شنبه در درسه فیه بسته می‌شود و از چند طرف در محاصره پلیس قرار می‌گیرد بطوریکه آب قطع می‌کند و با فاصله کمی برقی قطع می‌شود. علت قطع برقی گسستن سیم بوده که طلاب بلندگوهای در درسه را کشته و روی یواریکی در جهت رو در خانه و بلندگوی دیگری در جهت میدان جلوی صحن نصب می‌کنند.

نخست با بلندگو اعلام می‌کنند: "۳۱ مردم باید بپوشد که می‌روید صدای ما - روحانیون آزاد بخواب - و ابرسانید و بد بگردان بگویند که مادر چه وضعی هشتم رژیم آریامهری که ادعای مسلمان می‌کند و سنگ پشیمانی از اندام شدگان روحانیون همراهی راه سینه می‌زند اکنون با کمال وقاحت و بی‌شرمی ما را در خانه خودمان (در درسه فیه) محسوس کرده و آب و غذا را بر روی ما بسته است."

اندکی بعد پلیس حاضر می‌شود و با یکی دو نفر از طلاب صحبت می‌کند و می‌گوید تا با بحال شما احترام گذاشته ایم و دست از پا خطانکرده ایم و الان هم قرار است از تهران کمانده و باید لذا بمانید قبل از آمدن آنها دست از کارتان بردارید و دستاوتنا از درسه خارج شوید.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

طلبه ها قبول نکرده و گفتند ما دسته جمعی از مدرسه بیرون میآیم . پلیس هم قبول نکرد .  
 فضا تلخ مدرسه قطع نشده بود و طلاب مرتباً با هم تاس می گرفتند و جریبان امر با اطلاع سراج  
 قم و همچنین به اطلاع خوانساری و ظفری در تهران و روحانیون شهرستانها می رسانند .  
 از طرف آقای گنجاگسی نان و ضراب می آویزند . طلاب طرف اولی را قبول میکنند و طرف  
 دومی را چون احتمال میدادند پلیس دارد وضع را همراهی میکنند و بدین طریق میخواهند  
 به داخل مدرسه راه یابند ، در حالیکه روی دست حامل بود و چند پلیس او را همراهی میکردند با آجر  
 از بالا داخلش را در می آویزند . پلیس ها با هم فرار میکنند .

این بار در چمپای سرخ بالا میروند و با قطع برق از طرف پلیس ، طلاب بلندگو ها را با بطری روشن  
 کرده و شعارهای پر شعوری میدادند . این جریان تا ساعت ۴ بعد از ظهر شبانه ادامه داشت .  
 قبل از این یک هللیکو پتر از بسالای مدرسه شروع به عکس برداری نمود .  
 در ساعت چهار بعد از ظهر کتاندو هائل سر بازان مشغول حمله می شدند . در این لحظه  
 من و یکی از دوستانم داخل گنجه حجره مان مخفی شدیم و از ساعت ۴ بعد از ظهر الی ۲ بعد  
 از نیمه شب داخل آن گنجه ماندیم .

در این مدت سه بار به حجره ما حمله کردند و هر بار ما در بین بافتنهای رکبک وارد میشدند  
 و جزو رب گنجه ما در ب سه گنجه دیگر حجره را شکستند . یکی فریاد میزد: " هر چه قتیبه  
 سردار بسرم " دیگری میگفت: " مال آخوند فلان فلان شده پاکتر است ."  
 در حجره ما یکصد ضبط صوت و مقداری پول در حدود سه هزار تومان از جیب لباس  
 دوستم با سایر اشیاء قیچی برداشته و با خود بردند .

صدای هائسی که می شنیدیم عذاب دهنده بود یکی داد میزد: یاطی فریادمان برس .  
 دیگری فریاد میزد: امام زمان بداند مان برس .  
 صدای کتک خوردن سه تا از طلبه ها شنیده میشد . صدای ماموری را می شنیدیم کسی  
 میگفت: مبارک . . . کجاست ؟ کجاست ؟ اگر هست بگو بیاد نجات بده ! و از این قبیل  
 حرفهای دیگر شنیده میشد .

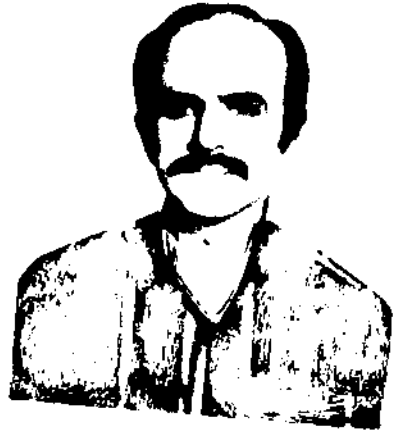
بسیار صبر ساعت دو نیمه شب در فاصله تعویض پاس مسجونین از در طبقه دوم ساختمان  
 که بطرف رودخانه باز میشد پائین بریدیم و فرار کردیم . موقع فرار و عبور از حیاط مدرسه مقداری  
 زیادای لخته های خونی دیدیم . حدود ۵ نفر از افراد بعلت خونریزی زیاد و نورس شدن  
 خون پائین در بیمارستان قم شهید شدند .

### در حسانیه نظاهرات قسم

- در جریان حله پلیس به طلاب مزدور کشتی بنام «روان افاضلی» یکی از طلاب را در مدرسه به ضرب لگدم و مزدور آب کردن از پای در آورده است .
- مزدور دیگری بنام حسین جمال به طلبه ای که با فرزند ۱۴ ساله اش در حال فرار بوده است حمله می کند و او در مقابل چشمان پدر فرزندش را چندین بار بزعم میگرد که بعداً در بیمارستان بستری میشود (ظاهر اجسام را ننداشد سرهنگ جوانی معاین شهر باقی نم است.)
- صبح روز یکشنبه یعنی یک روز بعد از حله کماندها به مدرسه فیه در اثر فشار مردم و طلاب آقاها شریعتداری و گها یگانی و نجلی برای نجات طلاب دستگیر شده و کله به مجروحین دور هم جمع میشوند ولی بدون هیچ تصمیم و نتیجه ای از هم جدا میشوند!
- عدای در خانه آقا مرتضی شیخ عبد الکریم میریزند که در راهروی آنها باز نمیکنند . طلاب از شدت خشم در رب رامیشکندند و داخل میشوند . آقا ! آنها میگوید : « شاعلا لکسر به ! و نصیبت کونیت بودن بطلاب میدهد و بعداً نیز روی این گله تکیه کرده و طلاب را کونیتهای خرابکار میخواند .
- در جریان نظاهرات عدای از رو حانیون نماز جماعت را تعطیل میکنند و تن به آیت الله حائری که در حال رفتن به نماز بوده میگوید : « عدای از طاعت بعنوان هدردی باطلاب بنماز را تعطیل کرده اند و شما هم نروید » میگوید :
- « نبرویم اما شما هم این کارها را نکنید ! انقلا ب میشود ! حوزه را تعطیل میکنند . »
- بعد از نظاهرات قسم طلاب جوان ضربه هم به پشتمانی از طلاب قم نظاهراتی بر پا میکنند که بوسه پلیس و ساواک سر کوب میشود .
- ۱۲ نفر از طلاب که بمر بازی برده شده اند پس از مدت کوتاهی از سر باز خانه هافزار کرده اند .
- و نفر آنها که در پارگان کرمان بوده اند او اخر تیسوا ه فرار نموده و برای اینکار یک شب تاصبح پناه روی کرده اند .
- بعد از جریان قم آقا ی کوبی را دستگیر و پس از مدت کمی از زندان آزادی میکنند . نومه روزانتما فندامیکند که روم او را بنظای چند ماحوره الیگودیز که معلسکونتی وی است فرستاده و در ضررشنی چدهانی میکنند .

- در این تو افراملا سهای از طرفی طلاب در حوزه توزیع شده که در آن نوشته شده است :

آرشیو از اینجانب بمناسبت حضورت پلیس را با حضورت پاسخ خواهیم داد :



رفیق مجاهد حسن سبحان اللهبی  
متولد تبریز - سال ۱۳۲۹  
تاریخ دستگیری با شهادت ۰۴/۱۰/۳

رفیق مجاهد هانم وفاق حسن (نصرت‌الله)  
متولد قزوین  
تاریخ دستگیری با شهادت ۰۴/۱/۹

- آدرس پستی : کمپنه پستیهای از خلقهای ایران  
 - آدرس بانکی :  
 • P. O. BOX 246  
 CRATER ADEN  
 PEOPLE'S DEMOCRATIC REPUBLIC OF YEMEN  
 • ACCOUNT N° 59397  
 STEAMER POINT BRANCH  
 NATIONAL BANK OF YEMEN  
 P. D. R. Y.